



جغرافیا و روابط انسانی، بهار ۱۴۰۰، دوره ۳، شماره ۳، صص ۲۱۴-۲۲۴

ریسک مسکن روستایی (مدیریت ریسک و تاب آوری در نواحی روستایی)

راحله صحرانورد

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا، گروه جغرافیای

انسانی، تهران، ایران Raheleh.sahranav@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳

چکیده:

یکی از مهم ترین ویژگی های معماری روستایی توجه به طراحی منطبق با نیازهای فطری مردم و محیط و فعالیت های روزمره آنان مانند نوع فضاهای معیشت مردم است. مصداق های معماری از هم نشینی فضاهای زیستی و معیشتی در این نوع مسکن عمق توجه نسبت به زندگی مردم و نیازهای آنهاست که فضای کالبدی را با داستان زندگی مردم هماهنگ و آن را ایجاد نموده است. چنین نگاهی به زندگی و توجه به نیازها و هماهنگی با محیط طبیعی منجر به شکل گیری اشکال مختلف مسکن به صورت چادر، آلاچیق و مسکن موسمی یا دائم شده است. معماری روستایی اعم از مسکن، یا معماری فضاهای عمومی مانند آب انبارها، یخچال ها، آسیاب های آبی و بادی، کفتر خانها (برای حاصلخیزی و رشد گیاهان)، بندها و ... مصادیق بارزی از کتاب زندگی مردم است اما آغاز چنین رهیافتی مستلزم پدیدارشناسی مسکن روستایی و رجوع دوباره به چیستی و چرایی آن است. چنین فرایندی گام مهمی در مسیر شناخت، درک و احاطه به موضوع محسوب میشود که میتواند در تبیین اصول و معیارهای مسکن مطلوب روستایی اثرات مثبتی داشته باشد، در این پژوهش ضمن پرداختن به مفاهیم مسکن روستایی والگوی مسکن روستایی مطلوب، اهمیت پرداختن به این موضوع را بررسی نموده و در آخر به ریسک ها و خطراتی که پیرامون مسکن روستایی قرار دارد و میتواند خطر نابودی این الگوها را در برداشته باشد می پردازیم.

واژگان کلیدی: مسکن روستایی، معماری روستایی، ریسک، تاب آوری



مقدمه:

در حال حاضر در سکونتگاه های روستایی اکثر کشورهای در حال توسعه وجود مسائل و مشکلاتی چون نارسایی های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی و جود پدیده های چون فقر، درآمد پایین، سوء تغذیه، بیکاری، رشد شدید جمعیت، مهاجرت های گسترده روستا-شهری، عدم دسترسی مناسب به امکانات بهداشتی و درمانی، وضعیت نابسامانی کمی و کیفی مسکن، تبعیض و بی عدالتی اجتماعی روبرو است. پیشرفت های مبارزه با فقر در چندسال اخیر در کل جهان ثابت بوده است، اما در بسیاری از مناطق جهان میزان فقر در نواحی روستایی همچنان نسبت به مناطق شهری در حد بالای قرار دارد. این روند انعکاسی از چالش ها و مسائل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی موجود در مناطق روستایی و به حاشیه رانده شدن مردم جامعه مزبور است، مسکن و شرایط آن عامل مهم و محوری در کیفیت زندگی و تمایز بین افراد، گروه ها و نواحی قلمداد می شود (شکوری و عسگری، ۱۳۹۱). مسکن روستایی به طور طبیعی تجلیگاه شیوه زیستی-اقتصادی-اجتماعی روستایی به شمار می رود و الگو و عملکرد های آن در پیوند با عرصه مکانی-فضایی به مثابه دریچه ای است به شناخت چشم انداز و روندهای حاکم بر زندگی و فعالیت روستا، این نکته به ویژه در عرصه های که هنوز پیوندها و بستگی های خود را با محیط نگسته اند و حرکت و فعالیت خود را به طور نسبی در سازگاری و هم نوایی با عوامل و نیروهای محیط طبیعی جستجو می کند، بیشتر صادق است (سعیدی و احمدی، ۱۳۹۰). مسکن پدیده ای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که مظاهر آن به خوبی در بسیاری از شهرها و روستاها قابل مشاهده است. بررسی های انجام شده از روستاهای جهان نشان دهنده تنوع ساخت و به کار گیری راه حل های مختلف به منظور پاسخگویی و فائق آمدن بر مسائل و مشکلاتی است که یک مسکن به طور به طور طبیعی با آن روبه روست. این مسکن عمدتاً توسط مواد یا مصالح قابل دسترس در محیط ساخته شده و شیوه زیست و امکانات محیط اطراف بر طرح و تکنولوژی ساخت تاثیر قابل توجهی داشته است (سرتیپی پور، ۱۳۸۶). مسکن در طول دوره های مختلف زندگی بشر به اشکال گوناگون ظاهر شده است. این پدیده دست ساخت انسان یکی از نمودهای تمدن بشری است که طی سالیان تابع امکانات و مصالحی بوده که در محیط طبیعی پیرامون جوامع بشری قرار داشته است (عزیزی، ۱۳۸۷). در واقع مسکن، کوچک ترین شکل تجسم کالبدی را که رابطه متقابل انسان و محیط در آن تبلور یافته بیان می دارد (راهنمایی، ۱۳۸۲). مسکن روستایی در سال های اخیر از تغییرات و دگرگونی های وسیعی برخوردار شده است. این عنصر فرهنگ علاوه بر نقش سکونت، به عنوان بخشی از فضای اشتغال، تولید و همچنین انبار نگهداری ملزومات زندگی روستاییان مطرح است. این امر از نقش سکونت و شیوه زیست و کیفیت استفاده از محیط و اقتصاد حاکم در روستا و سنت و هنجارهای پنهان و آشکار روستایی

نشأت می گیرد لذا بروز تغییرات فرهنگی و اثرات آن بر الگوی مسکن خواهد شد که منطبق با شرایط اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی روستا است. مسلم است که مسکن در مجموعه بافت روستا به عنوان یک جزء از هویت کلی روستا و ایفاگر نقش به عنوان یک جز از هویت کلی روستا و ایفاگر نقشی چند کارکردی است. مسکن علاوه بر نقش سکونت، به عنوان بخشی از فضای اشتغال و تولید مطرح بوده که این امر از نقش سکونت، شیوه زیست و کیفیت استفاده از محیط و اقتصاد حاکم در روستا و سنت ها و هنجارهای پنهان و آشکار روستایی نشئت می گیرد (روح الامینی، ۱۳۷۰)

تامین مسکن روستایی مطلوب در کشور، نیازی حیاتی است (راهب، ۱۳۹۳) با توجه به اهمیت روستاها و نقش تعیین کننده ای که در توسعه اقتصادی، اجتماعی و امنیت ملی دارند، تامین مسکن مناسب آنها و برطرف نمودن مشکلات موجود در این زمینه به ویژه تامین استحکام و رفع آسیب پذیری آنها از موضوعاتی است که اهمیت خاصی می یابد (بسحاق، ۱۳۹۲) یکی از مشکلات عمده در نقاط روستایی کشور سطح نازل کیفیت مساکن است. مساکن روستایی از نظر مقاومت در مقابل سوانح طبیعی، نما، زیبایی شناختیف جنبه های بهداشتی و کارکرد، کیفیت مناسب نداشته و این وضعیت چشم اندازی نامناسب و ناکارآمد از فضاهای روستایی را عرضه کرده است (قنبری، ۱۳۸۹)

مبانی نظری تحقیق:

توسعه روستایی از عوامل مختلفی منشا می گیرد؛ یکی از عوامل، مسکن مطلوب است که بررسی دقیق آن در مطالعات اجتماعی-اقتصادی و فضایی در خور توجه برنامه ریزان به ویژه فعالان عرصه روستایی است؛ به ویژه اگر مسئله مسکن در روند اجرای برنامه های توسعه رویکرد کمی گرا داشته باشد (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸) مسکن، خردترین و کوچکترین شکل تجسم کالبدی رابطه متقابل انسان و محیط است و تبلور فضایی کارکرد حیاتی سکونت انسانی در ایفای نقش های اساسی آن است (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۸۵) مسکن علاوه بر فضای خانه، کل محیط سکونت را در بر میگیرد و کیفیت آن را از جنبه های مختلف در خور توجه استفاده کنندگان است. مالکیت مسکن و کیفیت آن، آسایش و رفاه خانودگی، کمک به رشد اقتصادی، افزایش ثروت خانوارها، تشخیص و منزلت اجتماعی، کاهش آسیب ها و هنجارهای اجتماعی، مشارکت مدنی و ثبات همسایگی را به همراه دارد (قنبری و همکاران، ۱۳۹۰) با توجه به نقش تعیین کننده روستاها در توسعه اقتصادی کشور، تامین مسکن مناسب و برطرف کردن مشکلات موجود در این زمینه اهمیت خاصی می یابد. تامین مسکن روستایی که با هدف نیل به کیفیت فضایی مطلوب تر دنبال می شود، نیازمندی تفکر جامع نگر در

توسعه فضایی، کالبدی، برنامه ریزی، طراحی و اجرا و همچنین اطلاع از کم و کیف ویژگی های معماری روستایی در مناطق مختلف، توانایی های و کاستی های موجود در این زمینه است (سرتیپی پور، ۱۳۸۵)

در گذشته مسکن به عنوان پدیده ای فیزیکی بوده که صرفاً در مقابل عناصر غیر قابل کنترل ساخته می شد و سیاست ها برای تامین مسکن با محوریت استانداردهای ساخت و ساز و شیوه استفاده از مصالح خلاصه می شد. در واقع ابتدایی ترین رسالت یک ساختمان به عنوان پناهگاه در دستور کار قرار می گرفت اما با گذر زمان و با پیشرفت فناوری این ایده به صورت بارزی تغییر کرد و با گذر زمان جوانب مختلف اجتماعی، فرهنگی و هویتی مورد توجه قرار گرفت، نواحی روستایی با توجه به ماهیت خود وابستگی زیادی به مسکن دارد. در این نواحی، مسکن علاوه بر سرپناه بودن دارای کارکردهای دیگری مانند محل نگهداری دام و انبار محصولات تولید شده و مکانی برای فعالیت های اقتصادی مانند فرآوری محصولات کشاورزی است (جمشیدی، ۱۳۹۴)

معماری ایران چون فرهنگ جامعه ایرانی درون پذیرنده، القا کننده احساس تعلق خاطر، پیوستگی و انسجام متعادل و تناسب ابعاد با کارکردهاست. سپس قطع ناگهانی این فرآیند در نتیجه راه های سریع تر و آسان تر فراهم شده توسط معماری مدرن، انسان امروزه را وادار ساخت تا تمامی آن روش های سازگار با محیط زیست فراموش کند. به این جهت لازم است به معماری گذشته این مرز و بوم با دیده باز و کاوشگر نگریسته، از آن درس گرفته و زمینه های فکری آنها را در معماری و فن ساختمان سازی امروزی به کار بریم. روستاها در طول تاریخ دیرینه خود شاهد توسعه تدریجی از طریق ساخت و ساز خود روستاییان با معماری ارگانیک بوده اند و دیر زمانی پس از آن آشنایی و سپس وابستگی آنان به شهر، معماری التقاطی و در نهایت معماری شهری به روستاها راه یافته است، این نوع ساخت و ساز سبب شکل گیری بافت روستاها شده است. (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۶) هر مسکن به کاربر و زمینه تطبیق آن تعلق دارد، بنابراین در طراحی کلی می توان گفت مسکن به محیط زیست و کاربر وابسته است. از آن جا که انسان معمولاً تنوع طلب است و ثابت ماندن شرایط محیطی موجب نارضایتی آنها می شود، وجو امکاناتی برای ایجاد تغییرات فضایی در محیط زندگی شان را مطلوب ارزیابی می کنند. این ایجاد تنوع می تواند از تغییری کوچک تا تغییر اساسی را به دنبال داشته باشد (علی الحسینی و برهانی، ۱۳۸۵) این اساس، مسکن باکیفیت به معنی یک مسکن مناسب است که به لحاظ فرمی، زیبا و منطبق با شرایط محیطی، با میزان ماندگاری و طول عمر بالا، رعایت استانداردهای ساختوساز، امنیت بالا و مصرف انرژی پایین است. لذا از لحاظ اقتصادی (باصرفه و به محل اشتغال نزدیک و ..)، اجتماعی (ایجاد همبستگی اجتماعی، سلامت و استقلال فردی و ...) و کالبدی-محیطی (زیبایی و انطباق با شرایط محیطی) باید دارای کیفیت مناسب باشد؛ زیرا کیفیت مسکن، تأثیر قابل توجهی بر روی شیوههای زندگی، مسائل جسمی و

روانی افراد، سلامت، بر خورداری از امکانات، امنیت و برخورد با افراد دیگر اجتماع دارد. کیفیت مسکن، از جنبه‌های عینی و ذهنی قابل تأویل و تبیین است اما نکته مهم اینکه، عمدتاً کیفیت مسکن جنبه ذهنی داشته ولی جنبه های عینی نیز در راستای ایجاد رضایتمندی و افزایش کیفیت زندگی است. تجربه کشورهای دیگر نیز نشان می‌دهد که پرداختن صرف به امر تأمین کمی مسکن و نادیده گرفتن جنبه های کیفی، به مفهومه مخاطره افکندن بخشی از ذخیره مسکن است که تنها با ملاحظات کمی ایجاد می‌شود. مسکن بومی روستایی تصویری از بستر و زندگی روزمره روستایی است که در خدمت شیوه ای خاص از فعالیت های انسانی قرار دارد و ارتباط عمیقی با محیط داشته و به آن وابسته است. همچنین محل سکونت افرادی است که به فعالیت های تولیدی اشتغال دارند (سرتیپی پور، ۱۳۹۰) بعد کاربردی مسکن یا وجه فیزیکی آن عینی ترین بعد است که معمولاً در ارزیابی و تحلیل ها و برنامه ریزی های مسکن در نظر است و شاید بسیاری از برنامه ریزی ها و تحلیل های مسکن هم شامل همین بعد باشد (سرتیپی پور، ۱۳۸۸) زندگی روستایی و نوع نگرش روستاییان به جهان و طبیعت، امکانات و دانش آنان برای ساخت و تولید و شیوه های بهره وری باعث می‌شود تا اجزای محیط به مطلوب ترین صورت و در عین حال با رعایت سادگی و برقراری رابطه منطقی و مکمل بین آنها، با حداکثر کارایی شکل گیرد و سازمان فضایی کالبدی روستا که انعکاس ارزش های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی آن به شمار می‌رود، متأثر از این نحوه کارکرد شکل می‌گیرد (سرتیپی پور، ۱۳۸۴).

پیشینه تحقیق:

توکلی و دیگران (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان " بررسی تحول معماری مسکن روستایی و تدوین الگوی بینه مطالعه موردی: شهرستان آق قلا،" انجام دادند که به بررسی تحول معماری مسکن روستایی و تدوین الگوی بینه در شهرستان آق قلا پرداختند و نتیجه گرفتند که امروزه خانه های احداث شده در روستاها، در مقایسه با گذشته تحولات کارکردی عمیقی داشته است. مسکن های سنتی و بومی منطبق با محیط طبیعی نیز از بین رفته اند و جای خود را به مسکن هایی با طرح و نقشه های جامه شهری داده اند. افزون بر این وجود ایوان در خانه های جدید کم رنگ شده و این خانه ها در مقابل خانه های تخریب شده و سنتی قرار گرفته اند. در این میان فعالیت های عمرانی دولت و ارائه امکانات به این عامل دامن زده است. استفاده گسترده از امکانات جدید، چنین تحولی را نشان می‌دهد. باید توجه داشت که به منظور جلوگیری از برهم زدن بافت، الگو و جنبه های زیبایی شناسانه روستا به وسیله ناهمگونی ها و ناهنجاری ها، لازم است الگویی مطابق با محیط و فرهنگ روستاییان جایگزین شود. رواج فرهنگ مصرفی، تغییر نیازهای اجتماعی و وابستگی به تولدات دیگر مناطق از پیامدهای این تغییرات است.

سعیدی و امینی (۱۳۸۹) به بررسی ناپایداری سکونتگاهی و تحول کارکردی مسکن روستایی در روستای خفر، ناحیه نظنز=بادرود پرداختند و دریافتند که روند دگرگونی های اجتماعی- اقتصادی و تحرک و جابه جایی روزافزون گروه های انسانی به روندهای پایداری و ناپایداری، دگرگونی های کالبدی-فضایی سکونتگاه های روستایی منجر شده است. در این زمینه جابه جایی روستایی- شهری و رهاماندن برخی واحدها در روستاها، تحول کارکردی را در بهره گیری از فضای درونی خانه ها به وجود آورده است.

بهرامی (۱۳۹۰) در مطالعه ای با عنوان تحلیلی بر وضعیت مسکن روستایی در استان کرمانشاه، ضعف تکنیکی ساخت و ساز، وجود مصالح کم دوام و کم توجهی به مقاوم سازی مسکن روستایی در استان را عوامل اصلی تاثیر گذار بر وضعیت نابسامان مسکن روستایی ذکر می کند. همچنین به منظور پیشگیری از بلایای طبیعی و بهبود وضع مسکن روستایی ضرورت اجرای طرح جامع مسکن روستایی را که تدوین گردیده، مورد توجه قرار داده است.

خاکپور و شیخ مهدی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان انجام دادند که نتایج تحقیق گویای این است که موقعیت قرار گیری انبارها، حیوانات اهلی و تمامی اجزای واحد مسکونی، از فرهنگ تاثیر می پذیرد. استفاده از الگوی معماری غیر بومی که برگرفته از الگوهای معماری شهری است، نوعی تمایل به متمایز کردن خود از دیگران، تجدد گرایی و موقیت اجتماعی تازه دست یافته را نشان می دهد.

شیروانیان و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی تحت عنوان "مقایسه رویکرد فقر درآمدی و رویکرد چند بعدی فقر مسکن در برنامه حمایت از مسکن روستایی در ایران" انجام دادند که نتایج آن بیانگر این است که فقر مسکن روستایی مستولی بوده اما فقر درآمدی ۰.۵۷٪ خانوارهای روستایی را در بر گرفته است. عمق فقر روستایی به گونه ای است خانوارهای روستایی به طور متوسط از دسترسی به حدود ۴۰ درصد از نماگرهای مسکن مناسب محروم می باشند و فقر درآمدی آنها دارای میانگین شکاف ۱/۸۴۴ درصدی است. در ادامه نتایج نشان می دهد که استفاده از رویکرد فقر درآمدی برای تعیین گروه های هدف در برنامه ی حمایت از مسکن روستاییان، ۴۲/۹۵۴٪ از خانوارهای روستایی دچار فقر مسکن را از این برنامه های حمایتی مستثنی می نماید. براین اساس، تغییر رویکرد در برنامه حمایت از مسکن روستایی و استفاده از رویکرد چند بعدی فقر مسکن توصیه می گردد.

رمضان نژاد و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان معماری و شهر سازی ایران انجام دادند که نتایج تحقیق نشان می دهد که ضرورت توجه به اصول مسکن پایدار را در ساخت مسکن روستایی تبیین کردند. از دیدگاه آنها به دلیل شرایط ناپایدار کنونی سکونتگاه های روستایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی، توجه به مسکن پایدار مانند سبز بودن، مقرون به صرفه بودن، صرفه جویی در انرژی، همسویی با چشم انداز طبیعی، کاهش هزینه ساخت مسکن، کاهش هزینه های سرمایشی و گرمایشی مسکن، حفظ محیط زیست از طریق همسویی با چشم انداز طبیعی و... گامی در جهت تحقق توسعه پایدار در روستاهاست.

روش تحقیق:

در تحقیق حاضر، روش تحقیق زمینه یابی است جمع آوری اطلاعات در دو بخش کتابخانه ای و میدانی انجام شد. مطالعات کتابخانه ای، با استناد به منابع مکتوب مانند کتب، مقالات مرتبط، طرح کالبدی، طرح های بالا دست و مقررات ملی بود.

یافته های تحقیق:

بررسی ریسک های مسکن روستایی

نگرش نظامند و جامع به مسکن روستایی ایجاب می کند تا پدیده هایی را که باعث توسعه مسکن و همچنین عواملی که باعث ایجاد پایداری در مسکن می شوند، به صورت جامع جستجو کرد. در این راستا دست یابی به شناخت تعاریف و مفاهیم در خصوص شناسایی راهبردهای مناسب، به دقت و انسجام و گستردگی این نوع شناسایی کمک می نماید چرا که توسعه پایدار روستایی با رویکردهای زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی، در صورت تجمع تمامی ابعاد روستا میسر می گردد. و نیز باید عوامل تخریب یا نابودی الگوهای مسکن روستایی و به تبع منظر روستایی که تاثیر مستقیم بر کیفیت محیط و پایداری و توسعه محیط روستایی دارد را شناسایی کرده و با برنامه ریزی و مدیریت ریسک با مشارکت مردم در جهت رفع این عوامل اقدام نماییم. لذا در این پژوهش با مطالعه اسنادی و کتابخانه ای و با مرور تحقیقات پیشین این نتیجه حاصل گردید که؛ یک مسکن پایدار در روستا می بایست از لحاظ اقتصادی متناسب، از لحاظ اجتماعی قابل قبول، از نظر فنی و کالبدی، امکان پذیر، مستحکم و سازگار با محیط زیست باشد این تعریف مهمترین تعریفی می باشد که میتوان در خصوص مسکن روستایی پایدار ارایه کرد پس رسیدگی به کالبد روستا و بهبود بخشی فضایی روستا بخش

کوچگی از مجموعه اقدامات عملی در زمینه پایداری در روستا می باشد بدین ترتیب توجه به کلیه احتمالات خطر برای مسکن روستایی از الزامات برنامه ریزی روستایی می باشد.

انواع ریسک های مسکن روستایی

از بین رفتن الگوهای مسکن بومی در راستای افزایش جمعیت و تراکم سازی مسکن، استفاده از مصالح غیر بومی به دلیل پیشرفت تکنولوژی و تمایل به نو آوری در ساخت و ساز، بی توجهی به اقلیم و کارکرد های مسکن روستایی به دلیل زمان بر و هزینه بر بودن ساخت مسکن متناسب با اقلیم روستا، پیروی نکردن از یک الگوی پایه و مناسب و نتیجتاً تخریب محیط روستایی، به دلیل نداشتن الگوی واحد مسکن روستایی و پیوند ناموزون و نامتناسب با فضای روستایی چشم انداز روستا به مرور از بین رفته و بسیاری از قابلیت های منظر از بین می رود، ساخت و ساز مسکن بدون در نظر گرفتن استحکام و مقاومت بنا و در نتیجه تخریب مسکن در مخاطرات محیطی، ریسک زلزله

نتایج تحقیق:

پژوهش در حوزه مسکن روستایی نیازمند مطالعه دقیق زندگی روستاییان (از نظر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی) است

راهکارهای پیشنهادی پس از مقایسه با نظام معماری خانه های قدیم و جدید روستا و بررسی ریسک های مسکن روستایی به این صورت می باشد:

انبوه مداخله گرها در بررسی ریسک مسکن روستایی، استنتاج از آن ها را مشکل می سازد. مگر آن که نتایج مذکور دسته بندی شوند. به عنوان مثال در تحقیق انجام شده، نتایج به تفکیک پرسش به صورت زیر دسته بندی شدند: الف) ویژگی های مربوط به رفتارهای جاری در مسکن روستایی: که براساس آن حوزه های عملکردی در مسکن، منطبق با الگوهای رفتاری ساکنان مشخص می گردد. ب) ویژگی های مربوط به نظام معیشتی روستاییان: براساس آن سطح درآمد، امکانات و تخصص های موجود در روستا مثل نیروی انسانی ماهر و مانند آن بررسی می شود. ج) وضعیت طبیعی و جغرافیایی: براساس آن دسترسی به مصالح بومی، گونه شناسی معماری و امکان ساخت و ساز جدید در روستا بررسی می گردد. د) نظام اجتماعی و فرهنگی: که براساس آن می توان در مورد روابط همسایگی و تعاملات اجتماعی روستاییان، قضاوت نمود. ه) نظام معماری موجود در روستا: تکنولوژی ساخت، مسایل فنی و ویژگی های کالبدی معماری را که به تدریج در روستا شکل

گرفته اند نشان می دهد و در ارائه الگوی معماری مسکن روستایی جهت هماهنگی با پیشینه تاریخی روستا مؤثر است. و) استانداردها، ضوابط و معیارهای طراحی: استانداردها و مقررات ملی می تواند جهت دهنده سایر نتایج پژوهش در حوزه مسکن روستایی باشد. دسته بندی فوق، نه تنها به تلخیص داده ها کمک می کند، بلکه با توجه به وجوه مشترک دسته ها براساس توزیع فراوانی داده ها می توان راهکارهای اجرایی را منطبق با ضوابط و استانداردهای موجود برای طراحی الگوی مسکن روستایی پیشنهاد نمود.

منابع:

- ۱- بسحاق، محمدرضا؛ سالاروند، اسماعیل؛ صیدایی، سید اسکندر (۱۳۹۲). تحلیل و ارزیابی شاخص ها و عوامل پایداری مسکن روستایی (مطالعه موردی: مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان روانسر). مجله پژوهش و برنامه ریزی، شماره ۴، صص ۲۵-۴۸
- ۲- پور طاهری، مهدی؛ فضلعلی، زینب؛ رکن الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۹۶). تحلیل فضایی الگوی مسکن پایدار روستایی (مطالعه ی موردی: روستاهای استان مازندران). مجله برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره ۲۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶، صص ۹۵-۱۳۱
- ۳- توکلی، مرتضی (۱۳۸۸). بررسی تحول معماری مسکن روستایی و تدوین الگوی بینه مطالعه موردی: شهرستان آق قلا، مسکن و محیط روستا، سال ۲۸، شماره ۱۲۷، صص ۱۴-۳۱
- ۴- جشمیدی، علیرضا؛ جمینی، داوود (۱۳۹۴). تحلیلی بر وضعیت رضایت مندی روستاییان از مسکن روستایی (مطالعه موردی: شهرستان روانسر)، مسکن و محیط روستا، جلد ۳۴، شماره ۱۳۹، صص ۷۹-۹۰
- ۵- حاتمی نژاد، حسین؛ منوچهری میاندوآب، ایوب؛ فرجی ملائی، امین؛ فرهادی، صامت (۱۳۸۵). تحلیل کیفیت زندگی روستاهای ادغام شده در شهر (مطالعه موردی: شهر میاندوآب). جغرافیا و توسعه ناحیه ای، سال ۸، شماره ۱۶، صص ۲۱۹-۲۴۰
- ۶- خاکپور، مژگان؛ شیخ مهدی، علی (۱۳۹۰). بررسی تاثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان، مدیریت شهری، سال ۹، شماره ۲۷، صص ۲۲۹-۲۴۶

- ۷- راهب، غزال (۱۳۹۳) گونه شناسی پهنه های شکل گیری مسکن در سکونتگاه های روستایی ایران در تعامل با عوامل محیطی، هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۱۹، شماره ۴، صص ۸۷-۱۰۰
- ۸- رمضان نژاد، یاسر؛ استحکام، حسن؛ پورقیومی، علی (۱۳۹۴) معماری و شهر سازی ایران، اولین همایش علمی-پژوهش افق های نوین در علوم جغرافیا و برنامه ریزی، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین، تهران، ۲۶-۲۷ مرداد.
- ۹- راهنمایی، محمد تقی (۱۳۸۲) مجموعه مباحث و روش های شهرسازی، جغرافیا، جلد ۳، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۱۰- روح الامینی، محمود (۱۳۷۰)، زمینه فرهنگ شناسی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران
- ۱۱- سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۵) «مسکن روستایی در برنامه های توسعه، هنرهای زیبا» شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۵، صص ۴۷-۵۶
- ۱۲- سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۶) مسکن روستایی در مالزی، اندونزی و بروئی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، بنیاد مسکن، شماره ۱۱۸
- ۱۳- سرتیپی پور، محسن (۱۳۹۰) پدیدار شناسی مسکن روستایی، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۳، صص ۳-۱۴.
- ۱۴- سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۸) بررسی تحلیلی مسکن روستایی در ایران؛ مجله صفحه، دوره ۱۹، شماره ۱۲، صص ۴۷-۶۰
- ۱۵- سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۴) شاخص های معماری مسکن روستایی در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲، تابستان، صص ۴۳-۵۲
- ۱۶- سعیدی، عباس، امینی، فریبا (۱۳۸۹) بررسی ناپایداری سکونتگاهی و تحول کارکردی مسکن روستایی، مورد مطالعه « روستای خفر (ناحیه نطنز-بادرود) فصلنامه علی -پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران. سال ۸، شماره ۲۷، صص ۲۹-۴۳
- ۱۷- سعیدی، عباس؛ احمدی، منیژه (۱۳۹۰) شهرگی و دگردیسی ساختاری- کارکردی خانه های روستایی مورد: روستاهای پیرامون شهر زنجان، جغرافیا (فصلنامه بین المللی انجمن جغرافیایی ایران)، دوره جدید، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۷-۳۲

- ۱۸- شکوری، علوی و نقی عسگری (۱۳۹۱) ارزیابی عملکرد برنامه های مسکن روستایی و تاثیرات آن بر کیفیت ساخت و ساز مناطق روستایی در برنامه چهارم توسعه مطالعه ی موردی: استان هرمزگان، فصلنامه پژوهش های روستایی، شماره ۲، صص ۱۵۱-۱۹۱
- ۱۹- شیروانیان، عبدالرسول؛ بخشوده، محمد؛ مهرجو، سعید (۱۳۹۲) مقایسه رویکرد فقر درآمدی و رویکرد چند بعدی فقر مسکن در برنامه حمایت از مسکن روستایی در ایران، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، صص ۶۵-۸۱
- ۲۰- عزیزی، محمد مهدی (۱۳۸۷) جزوه پلی کپی درس برنامه ریزی مسکن، مقطع کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران، گروه شهرسازی.
- ۲۱- علی الحسابی، مهران، برهانی داریان، فرناز (۱۳۸۵) «مسکن انعطاف پذیر، نشریه مسکن و محیط روستا» شماره ۱۱۷، صص ۲۰-۳۵
- ۲۲- قنبری، نوذر (۱۳۸۹) تحلیل نگرش روستاییان به مسکن ایده ال (مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه) سرزمین، شماره ۴، دوره ۷، صص ۶۵-۷۸
- ۲۳- قنبری، نوذر؛ رمضان زاده لسبویی، معصوم پور سماکوش، جعفر (۱۳۹۰) نگرش ساکنین از ابعاد مسکن روستایی مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه، نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال ۳، شماره ۳، صص ۱۰۵-۱۲۰
- ۲۴- لطفی، حیدر؛ احمدی، علی؛ حسین زاده فرجود؛ داوود (۱۳۸۸) شاخص ها و مولفه های ضروری در برنامه ریزی و سیاست گذاری مسکن روستایی در ایران، آمایش، سال ۲، شماره ۷، صص ۸۹-۱۰۹